

روش ارزشیابی حداقل کفایت سرمایه داخلی

(راهنمای تهیه گزارش)

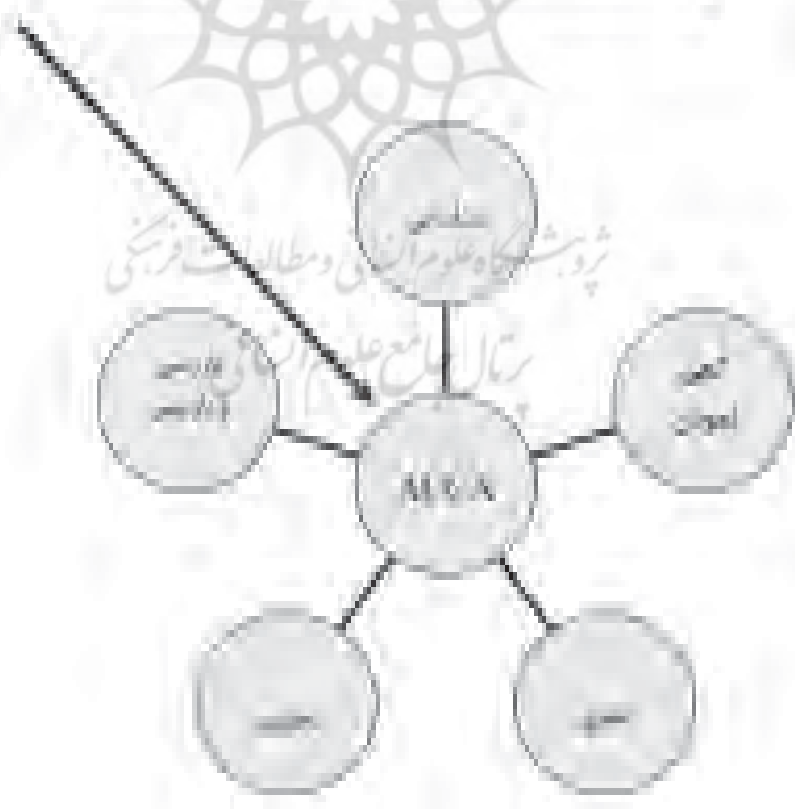
(Internal Capital Adequacy Assessment Process)

(ICAAP)

نوشته: دکتر یوسف پادگان، مدرس دانشگاه



لغات و اصطلاحات کلیدی: ریسک، مدیریت ریسک، بانک، باسل ۲، تجدید نظر مدیریت، کفایت سرمایه داخلی



چکیده

نیاز و ضرورت مدیریت ریسک و به کار گیری استانداردهای کمیته باسل و به ویژه نسخه تکامل یافته باسل ۲ بر هیچ بانکداری پوشیده نیست. در این مقاله سعی شده است علاوه بر شرحی مختصر بر مدیریت ریسک و ساختار باسل، توضیح نسبتاً جامعی در ارتباط با گزارش روش ارزشیابی حداقل کفایت سرمایه داخلی بانک ها که یکی از اجزای بسیار مهم رکن دوم باسل ۲ است، به دستداران دانش بانکداری و مدیریت ریسک در صنعت بانکداری ارائه شود.

* مدیریت ریسک

مدیریت ریسک روشی نظام مند است که خطرات احتمالی در محدوده های مختلف کاری را شناسایی، تجزیه و تحلیل، اندازه گیری، نظارت، کنترل و گزارش می کند و پس از توسعه راهبردها و سیاست های مرتبط با ریسک و با هدف به حداقل رساندن خطرات احتمالی آن عوامل را مدیریت می کند.

یک بانک کارآمد با در نظر گرفتن تمامی عوامل ایجاد کننده ریسک، به کنترل آن ها می پردازد. بخش مدیریت ریسک با استفاده از روش های کمی و کیفی به شناسایی ریسک های گوناگون و کنترل آن ها در روند فعالیت بانک می پردازد.

* باسل دو

باسل ۲ را می توان استاندارد برای نظام بانکداری و به ویژه نظام بانکی بین الملل دانست که شامل راهکارها و روش هایی است که چگونه بانک ها و مؤسسات پولی را با در نظر گرفتن سهمی از سرمایه در برابر خطرات احتمالی مصون و محفوظ کنند. این راهکارها و روش ها باید با تاسی از راهبردها و سیاست های بانک، تدوین و به صورت منظم مورد بازبینی و تایید بالاترین مقام آن سازمان قرار بگیرد. اولین نسخه کامل باسل ۲ در ژوئن سال ۲۰۰۴ در دسترس بانک ها قرار گرفت. تحولات مهم اقتصادی در دهه ۹۰ قرن ۲۰ میلادی به ویژه مسایل مربوط به مشکلات اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا و بحران های آمریکای لاتین را می توان از علل اصلی صدور راهکارهای باسل ۲ دانست.

* رکن دوم

رکن دوم باسل ۲ درباره وظایف اعضای هیأت مدیره بانک ها، مدیرعامل و سایر مدیران ارشد بانک ها در قبال تدوین و تهیه راهبردها، سیاست ها، دستورالعمل ها و روش های کار و اطمینان از اجرای صحیح آنها است. در اکثر قسمت های رکن دوم باسل ۲ به صراحت تاکید شده

است که مدیران ارشد بانک باید اطمینان داشته باشند که راهبردها و سیاست ها و متعاقب آن روش های کار همیشه و حداقل سالی یک بار مورد بازبینی قرار گرفته و در صورت لزوم اصلاحات مورد نظر انجام گرفته است. در این قسمت نیز در ارتباط با مسئولیت های بانک های مرکزی نکاتی ذکر شده است. بحث اطمینان از نحوه محاسبه حداقل کفایت سرمایه (۸ درصد حداقل) با توجه به روش های پیشنهادی در رکن اول از وظایف مهم بانک مرکزی است. بانک های پیشرفته و امروزی با استفاده از روش های پیشرفته و به کارگیری نیروی انسانی ماهر و توانا و با هدف به حداقل رساندن ریسک های احتمالی حداقل ۸ درصد از سرمایه خود را برای پوشش آن ریسک ها نگه دارند و این نشانگر این است که آنها از سیستم مدیریت ریسک تکامل یافته ای برخوردار هستند. از دیگر نکات مهم رکن دوم باسل، گزارش روش ارزشیابی کفایت سرمایه داخلی بانک ها است که در زیر به شرح نسبتاً کاملی از آن می پردازیم.

* روش ارزشیابی کفایت سرمایه داخلی

فرایند ارزشیابی کفایت سرمایه داخلی (Process Internal Capital Adequacy Assessment) یکی از موارد و اجزای بسیار مهم رکن دوم باسل یا همان تجدید نظر مدیریت (Supervisory Review) است.

*** تعریف:** روش ارزشیابی کفایت سرمایه داخلی بانک ها، روشی است که بانک ها در آن به بانک مرکزی محل فعالیت خود در ارتباط با نحوه مدیریت سرمایه (کفایت سرمایه) و مدیریت ریسک سازمان مربوطه را گزارش می دهند.

* اجزا:

*** اجزای اصلی و مهم گزارش روش ارزشیابی کفایت سرمایه داخلی بانکها به شرح زیر است:**

۱. خلاصه: در این قسمت خلاصه ای از گزارش روش کفایت سرمایه داخلی حداکثر در ۸ تا ۱۰ خط نوشته می شود.
۲. تاریخچه: در این قسمت تاریخچه ای از بانک و ساختار سازمانی بانک توضیح داده می شود.
۳. خلاصه وضعیت فعلی بانک: در این قسمت بانک ها به تشریح وضعیت و جایگاه فعلی خود در بین سایر بانک های فعال در کشور در حال فعالیت خود می پردازند.
۴. کفایت سرمایه (Capital Adequacy): حداقل کفایت سرمایه بانک ها بر اساس رکن اول باسل ۲ (دو) ۸ درصد است، اما بانک های مرکزی کشورها این اختیار را دارند که این رقم و

درصد را بیشتر از حداقل خواسته بانک تسویه حساب بین المللی و کمیته باسل در نظر بگیرند. به طور مثال، در اکثر کشورهای حوزه خلیج فارس ۱۰ درصد در نظر گرفته شده است. مدیران ارشد بانک برای حداقل کفایت سرمایه داخلی بانک و به خاطر قرار گرفتن در یک محدوده امن نرخ حداقل کفایت سرمایه داخلی را کمی بیش از حداقل کفایت سرمایه خواسته شده توسط بانک مرکزی کشور در حال فعالیت منظور می کنند. مثلاً نرخ کفایت سرمایه داخلی را ۱۰۵ درصد حداقل کفایت سرمایه باسل ۲ یا اعلام شده بانک مرکزی می دانند. اگر به فرض نرخ حداقل کفایت سرمایه ۱۰ درصد باشد و مدیران ارشد بانک تصمیم بگیرند که نرخ کفایت سرمایه داخلی ۱۰۵ درصد از حداقل کفایت سرمایه باشد، آنگاه نرخ کفایت داخلی سرمایه برابر ۱۰/۵ درصد خواهد بود.

۴-۱- زمان: گزارش روش کفایت سرمایه داخلی بانک ها معمولاً یک بار در سال توسط بانکها تهیه و تدوین می شود و پس از تصویب هیأت مدیره و عالی ترین مقام بانک به بانک مرکزی ارایه خواهد شد. اینکه در چه زمانی از سال به بانک مرکزی این گزارش ارایه شود، در اختیار بانک ها بوده و معمولاً برای همیشه آن زمان سال برای ارایه گزارش در نظر گرفته می شود.

۴-۲- تجزیه و تحلیل ریسک: در این قسمت بانکها موظف به گزارشی در ارتباط با مهمترین نوع ریسکها هستند. شایان ذکر است شرح مختصری از هر ریسک و نحوه مدیریت آنها از ضروریات گزارش است. تا چه میزانی از ریسک مورد پذیرش است و تعیین خط قرمز ریسک از مهم ترین بحث های این قسمت است.

۴-۲-۱- ریسک اعتباری (Credit Risk): ریسک اعتباری آن دسته از ریسکها و خطرات احتمالی است که به علت باز پرداخت نکردن وام ها و کلاً تسهیلات، بانکها و مؤسسات مالی با آن مواجه می شوند. به کارگیری روش های استاندارد، مشخص بودن راهبردها، سیاستها و روش های عملیاتی کار می تواند کمک شایانی به بانکها برای مدیریت ریسک اعتباری کنند تا در نهایت با آسودگی خاطر بیشتری از باز پرداخت تسهیلات خود مطمئن شوند.

۴-۲-۲- ریسک بازار (Market Risk): ریسک بازار عبارت است از خطرات احتمالی که به علت نوسانات قیمت (ارزش) در بازار سرمایه و پول به وجود می آید.

۴-۲-۳- ریسک عملیاتی (Operational Risk): هر گونه زبانی که ناشی از چهار عنصر: انسان (منظور نیروی انسانی)، سیستم (منظور سیستم رایانه و ساختار آن در درون سازمان)،

روشهای داخلی کار و رویدادهای خارجی است که این تعریف شامل ریسک اعتبار و شهرت و ریسک استراتژی نمی شود.

۴-۲-۴- ریسک نقدینگی (Liquidity Risk): ریسک نقدینگی دو حالت مختلف دارد: ریسک نقدینگی دارایی و ریسک نقدینگی مالی.

ریسک نقدینگی دارایی که با نام ریسک نقدینگی بازار-محصول هم شناخته می شود، زمانی ظاهر می شود که معامله با قیمت پیش بینی شده قابل انجام نباشد (به دلیل تغییر وضعیت نسبت به زمان معامله عادی). این ریسک در بین گونه های دارایی ها و در زمان وابسته به شرایط بازار تغییر می کند. بعضی دارایی ها مانند ارزهای اصلی یا اوراق قرضه، بازارهای عمیقی دارند و در اغلب مواقع به راحتی بانوسان کمی در قیمت، نقد می شوند اما این امر در مورد همه دارایی ها صادق نیست.

ریسک نقدینگی تأمین مالی، که ریسک جریان وجه نقد هم نامیده می شود، به ناتوانی در پرداخت تعهدات مربوط می شود. این موضوع به خصوص برای پرتفوهایی که متوازن شده اند و متعهد به پرداخت حاشیه سود به طلبکاران هستند، معضل عمده ای است. در واقع اگر ذخیره وجه نقد کافی نباشد، ممکن است در شرایط سقوط ارزش بازار نیاز به پرداخت وجه نقد وجود داشته باشد که منجر به نقد کردن اجباری پرتفو در قیمت پایین می شود. این چرخه ضررها که با حاشیه سود تعهد شده شدیدتر می شود، گاهی به ماریج مرگ تعبیر می شود.

۴-۲-۵- ریسک بیمه (Insurance Risk): ریسک بیمه ناشی از تحت پوشش قرار ندادن تمام یا قسمتی از دارایی های بانک به وجود می آید. به طور مثال در بسیاری از کشورها تمامی تسهیلات یا سهم عمده ای از آنها متناسب با نرخ ریسک آن تسهیلات در مقابل عدم پرداخت مشتری تحت پوشش بیمه قرار می گیرند که در این صورت بانکها و مؤسسات مالی با خطرات کمتری مواجه خواهند شد.

۴-۲-۶- ریسک تمرکز (Concentration Risk): ریسک تمرکز عبارت است از ریسک و خطراتی که ناشی از تمرکز بانک بر روی یک محصول یا گروه خاصی از مشتریان بوده است، به نحوی که درصد زیادی از پرتفوی اعتباری بانک را آن دسته به خود تعلق دهند.

۴-۲-۷- ریسک قانونی (Legal Risk): ریسک قانونی زمانی مطرح می شود که یک معامله از نظر قانونی قابل انجام نباشد.

ریسک قانونی در کل باریسک اعتباری مرتبط است؛ زیرا طرفین معامله در صورت زیان در یک معامله به دنبال بستر قانونی برای زیر سؤال بردن اعتبار معامله هستند.

۴-۲-۸- ریسک نرخ بهره (Interest Rate Risk):

ریسک نرخ بهره ناشی از تغییرات نرخ بهره در بازارهای پولی و مالی است و تأثیر آن بر پرتفوی بانک است. ایجاد سیستم های کنترلی و مدیریت ریسک می تواند کمک شایانی به بانک ها در مقابل صدمات و خسارات ناشی از تغییر نرخ بهره کند.

۴-۲-۹- سایر ریسک ها (Other Risks):

در این قسمت بانک ها موظف به گزارش سایر ریسک ها که به آن اشاره نشده است و یا آن دسته از ریسک ها مواجه می شوند، هستند. نظیر ریسک هایی از قبیل ریسک تجارت و بازرگانی، راهبرد و شهرت و ...

۴-۳- ساختار مدیریت ریسک

در این قسمت بانک به تشریح ساختار مدیریت ریسک و جایگاه سازمانی آن می پردازد. تشریح راهبردها، سیاست ها و روش های مدیریت ریسک از مهمترین نکات این قسمت است. با توجه به اینکه مهمترین هدف در مدیریت ریسک به حداقل رساندن آن است، ایجاد و ترسیم ساختاری کار آمد و نظام مند

می تواند کمک شایانی به مدیریت مؤسسه برای رسیدن به اهداف عالی سازمان کند. نمودار زیر نشان دهنده ساختاری در جهت مدیریت ریسک است.

۴-۴- مقایسه گزارش فعلی با قبلی (Comparison)

(ICAAP): معمولاً بانک ها در زمان تهیه دومین گزارش روش کفایت سرمایه داخلی خود نسبت به مقایسه وضعیت موارد اشاره شده مرتبط با ریسک بانک در گزارش اولیه می شوند و تغییرات به وجود آمده را تشریح می کنند.

۴-۵- قابلیت و توانایی انتقال سرمایه:

در این قسمت بانک ها به تشریح اختیارات و محدودیت های مدیران ارشد بانک در ارتباط با تغییر (اضافه، کسر یا تعدیل) در میزان سرمایه بانک می پردازند.

۴-۶- برنامه ریزی سرمایه:

در این قسمت مدیران ارشد بانک به تشریح برنامه بانک در ارتباط با نحوه و میزان استفاده از سرمایه بانک می پردازند.

۴-۷- جمع بندی

در پایان گزارش جمع بندی کلی از تمام گزارش حداکثر در یک صفحه تهیه می شود.



منابع:

- * رسولی زاده ئی، پیش بینی و مدیریت ریسک در بورس اوراق بهادار تهران، اسفند ۱۳۸۴
- * اسناد کمیته باسل، بانک تسویه حساب بین المللی، ژوئن ۲۰۰۶
- * پادگانه یوسف، ریسک و مدیریت ریسک در سازمان های پولی و مالی، فصلنامه بانک، شماره ۳۹ سال ۱۳۸۵
- * www.fsa.gov.uk
- * www.rbn.govt.nz
- * www.fi.se
- * www.onb.ac.at
- * www.bis.org